

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تعالیم عاشورایی امام خمینی (س)

□ دکتر سالار منافعی اناری

به نام خدا

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را نباید تنها به عنوان جنگی بین دو کشور همسایه تلقی کرد. این جنگ با جنگهایی که گاه گاهی در گوشه و کنار این جهان پرتلاطم بین دو کشور همسایه و غیر همسایه اتفاقی می افتد تفاوت عمده ای داشته است و آن اینکه هدف اصلی این تهاجم که در سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد از بین بردن انقلاب نوپای اسلامی در ایران بود هرچند که در ظاهر ادعاهای ارضی نیز مطرح و بهانه ای برای این هجوم ناجوانمردانه قلمداد می شد.

حاکمان عراق که تسلط بر خوزستان زرخیز ایران و دهانه استراتژیک خلیج فارس را در سر می پروراندند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اضمحلال رژیم شاهنشاهی به خیال خود فرصت طلایی یافتند تا به این خیالپردازی های دیرینه خود جامه عمل بپوشانند. آنها می خواستند به تصور خود با استفاده از ضعف ارتش ایران و با بهره گیری از نیروهای تا دندان مسلح خویش و با تجهیزات مدرنی که ابرقدرتهای مخالف انقلاب اسلامی در اختیارشان گذاشته بودند به خیال خود فقط در خلال چند روز کار را یکسره کنند و به هدفهای شوم خود نایل آیند. اما آنان در این محاسبه خود

اشتباه بزرگی مرتکب شده بودند و آن اینکه در این تهاجم با يك ارتش آن هم به خیالشان ضعیف شده روبرو نبودند، بلکه با يك انقلاب مواجه بودند که ملتی بزرگ در پشت آن بود، ملتی که این انقلاب را با خون شهیدان خود آبیاری کرده و با تمام وجود از آن حمایت می‌کند، انقلابی که نه بر بدن‌ها بلکه بر قلب‌ها حکومت می‌کند. امام خمینی در این زمینه فرمود:

«در این جنگی که ناگهان به ما تحمیل شد و آنها گمان می‌کردند که با يك ارتش طرف هستند آن هم به خیال خودشان يك ارتش ضعیف و آشفته - دیدید که اشتباه کرده بودند و حساب‌های آنها صحیح نبود. برای اینکه آنها نه حساب ارتش فعلی ما را کرده بودند و نه حساب ملت را. زمان طاغوت دل‌ها همراه نبود و در این زمان دل‌ها همراه است و حکومت بر دل‌هاست. رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و مجلس ما همه بر دل‌های مردم حکومت می‌کنند. از این جهت الان که لشکر و ارتش ما در جبهه‌ها مشغول به جنگ و دفاع هستند، یعنی تمام کشور ما یکپارچه به جنگ مشغول‌اند، هر روز یا اکثر روزها جوان‌هایی اینجا می‌آیند و با گریه می‌خواهند که برای شهادت عازم به جبهه‌ها شوند. حتی پیرمردهای ضعیف و بچه‌های نارس هم این آرزو را دارند. این، برای این است که در این کشور، اسلام حکومت می‌کند و حکومت این کشور، حکومت بر ابدان نیست، حکومت بر قلوب است.»

(کوثر، ج ۲، ص ۷-۲۶۶)

قرآن کریم بارها به این حقیقت اشاره می‌کند که انسان در زندگی خود در این دنیا مورد امتحان واقع می‌شود. در واقع زندگی انسان در این دنیا پر از صحنه‌های امتحان است و در همین صحنه‌هاست که چگونگی زندگی انسان در جهان پس از مرگ تعیین می‌شود. آنان که از صحنه‌های امتحان پیروز و سربلند به در آیند بهشتی برین با نعمت‌های فراوانش در انتظارشان است، و آنان که فریفته لذات زودگذر این دنیا شوند، بر خویشتن ظلم کنند و سرمایه‌گرانی‌های عمر عزیز خود را در خدمت به شیطان و شیطان صفتان بگذرانند و از صحنه‌های امتحان این دنیا روسیاه بیرون آیند، عذاب عظیمی در

انتظارشان است. قرآن کریم در مورد حتمی بودن امتحان انسان در این دنیا می‌فرماید:

وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بَشِیْءًا مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُّصِیْبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.

(سوره ۲، آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷)

«یقیناً شما را امتحان می‌کنیم با چیزی از ترس و گرسنگی، و (با) نقصان مالها و جانها و میوه‌ها، و بشارت بده به صابران، آنان که، هرگاه مصیبتی به ایشان برسد، گویند: یقیناً ما از آن خدا هستیم و بیقین به سوی او باز می‌گردیم، آنان، صلوات و رحمت از پروردگارشان بر آنهاست، و آنان (همان) هدایت یافتگان اند».

جنگ تحمیلی و دفاع مقدس را می‌توان نمونه بارزی از امتحان الهی به حساب آورد، امتحان بزرگی که در آن تقریباً تمام موارد مورد اشاره در آیه مذکور وجود داشت، یعنی ترس و گرسنگی و نقصان مالها و جانها و میوه‌ها. این جنگ پر از صحنه‌های امتحان بود، عده‌ای با ترس و وحشت مخصوصاً در مناطق جنگی مورد امتحان قرار گرفتند، بعضیها با نقصان مال و برخی دیگر با نقصان جان. صحنه‌های امتحان چنان پرشور بود که مشتاقان عاشقانه وارد صحنه می‌شدند و برای اینکه روسفید از امتحان به در آیند و پیروزمندان به دیدار معشوق بشتابند سر از پا نمی‌شناختند. شوق دیدار معشوق گاه چنان شرری بر دل‌های عاشقان می‌افکند که آنان در ورود به صحنه بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند تا زودتر به دیدار معشوق نایل آیند، صحنه‌هایی که شهادتها و فداکاریها در آنها شهادت و فداکاری امام حسین (ع) و یارانش در صحنه‌های کربلا را در یادها زنده می‌کرد. امام خمینی (س) در این مورد می‌فرماید:

«انسان در این دنیا از انسانهایی بزرگ مثل انبیا و اولیا گرفته تا هر جا که برسد مورد امتحان است. امتحان ملازم با وجود انسان است. امتحان گاهی به خوف است، گاهی به جوع و گاهی به نقص در اموال و انفس و ثمرات و امثال اینهاست و الان بسیاری از این امور در مراکز جنگزده تحقق دارد و این امتحان الهی برای شما آقایان است که در

دزفول و اهواز و سوسنگرد و در سایر محال، مورد تعدی کفار واقع شدید. گاهی هم امنیت و اطمینان مورد آزمایش است. انسان با ادعای این که من مؤمن هستم رها نمی شود، پیغمبرهای بزرگ امتحان شدند. ابراهیم خلیل (علیه السلام) در آن قضیه حیرت انگیز امر به این که باید فرزندت را ذبح کنی امتحان شد، حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) و اولاد و احفاد او هم امتحان شدند. همه ما و همه بشر امتحان خواهند شد و امتحان به امنیت، دارایی ثروت، ریاست و امثال ذلک، از امتحان در نقص اولاد و انفس بزرگتر است. چه بسا اشخاصی که ادعا می کنند مؤمن هستیم، طرفدار ضعف هستیم، اگر جنگ پیش بیاید، پیشقدم هستیم لکن وقتی که امتحان می شوند، درست از امتحان به در نمی آیند.»

(کوثر، ج ۲، ص ۱۹۲)

امام در بیانات خود به این نکته اشاره کرده است که انسان با این ادعا که من مؤمن هستم رها نمی شود، بلکه همه انسانها امتحان خواهند شد، حتی پیغمبران بزرگ و اولیاء نیز امتحان شدند. این حقیقتی است که قرآن کریم آن را چنین بیان می کند: *أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ*.

(سوره ۲۹، آیات ۲ و ۳)

«آیا مردم گمان می کنند به صرف اینکه بگویند ایمان آورده ایم رها می شوند و امتحان نمی شوند؟ در حالی که ما بیقین کسانی را که پیش آنان بودند امتحان کردیم، بنابراین یقیناً خدا (آنان را امتحان می کند و) می شناسد کسانی را که راست می گویند، و بیقین او می شناسد دروغگویان را.»

با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و با استقرار جمهوری اسلامی در ایران منافع قدرتهای استعماری و سلطه گر در این منطقه از جهان با خطر جدی مواجه شد. آنان خوب می دانستند و می دانند که اسلام تنها دینی است که آشکارا و به طور جدی با هرگونه استضعاف، استکبار، استثمار و سلطه گری و بیعدالتی مخالف است و لذا وقتی

اسلام ناب محمدی به معنی واقعی در يك جامعه پساده شود، آن وقت عزای واقعی استثمارکنندگان، سلطه‌گران و ستمگران است، زیرا با اجرا شدن احکام اسلام در يك جامعه، دیگر جایی در آن برای سلطه‌جویان نخواهد بود. اینجاست که وقتی آنان منافع خود را در خطر می‌بینند ساکت و آرام نمی‌نشینند و با تمام آنچه در توان دارند برای از بین بردن مانع منافع خود دست به کار می‌شوند. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را در حقیقت باید اقدامی این چنین دانست از سوی استثمارگرانی که منافعشان با استقرار جمهوری اسلامی در ایران به خطر افتاده بود. امام خمینی (س) در یکی از بیانات خود در این باره چنین فرموده است:

«ملت ما کاری کرده است که تمام دنیا را به تحیر واداشته است. ملت ما بر بزرگترین قدرتهای عالم غلبه کرده، دست دشمنان بشریت را از کشور خود قطع کرده و برای همه کشورها و مستضعفین الگو شده است. در عین حالی که این کار را کرده است، ما، ملت، ارتش و سایر قوای مسلح و همه مستضعفان مأموریم که در این پیروزی استقامت و پایداری داشته باشیم. جنگها کمبود، شهادت، خوف، گرسنگی، گرانی، خرابی و همه چیزهایی که از لوازم جنگ است را دارد، بخصوص با جنگی که در ایران پیش آمده و با نهضتی که ایران کرده است که موجب شده است قدرتهای بزرگ در مقابل آن دست به توطئه زده اند و می‌زنند که محاصره اقتصادی یکی از آنهاست. شما که می‌خواهید کشور خودتان را نجات دهید و قیام کردید و قریب صد هزار کشته و بیشتر از صد هزار معلول دادید تا پیروز شدید، باید استقامت داشته باشید.»

(کوثر، ج ۲، ص ۶-۱۹۵)

در میان همه کشورهای اسلامی جهان ملت مسلمان ایران از ویژگی خاصی برخوردار است و آن ارادت خاص این ملت به اهل بیت عصمت و طهارت است. ارادت شیعیان ایران به سرور آزادگان جهان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و پیروی آنان از آن حضرت باعث شده است که در طول تاریخ تشیع - بخصوص از زمانی که مذهب شیعه به وسیله شاه اسماعیل صفوی در سال ۱۵۰۰ میلادی مذهب رسمی

ایران اعلام شد - حرکت‌های زیادی علیه ظلم و ستم حاکمان وقت در این کشور به وقوع پیوندد. اعتراضها و فریادهای شیعه علیه بیعدالتیهای جامعه در طول تاریخ حتی برای ملل غیرمسلمان نیز شناخته شده است. امامان معصوم شیعه هر يك بنوعی در زمان خود با ظلم و فساد به مبارزه برخاستند و هرگز تن به ذلت ندادند. قیام امام حسین (علیه السلام) علیه خودکامگیهای یزید و دستگاه حکومت او، بیعت نکردن وی با یزید فاسد و فریاد هیئات *منا الذلّة* اش شیعیان آن حضرت را بر آن داشته است که آنان نیز تن به ذلت ندهند و به نوبه خود با بی عدالتیها و ستمگریهای زمان خود به مبارزه برخیزند.

البته قیام امام حسین (ع) علیه بیدادگریهای یزید نه تنها در بین شیعیان بلکه در میان ملل غیرمسلمان نیز از احترام خاصی برخوردار است. یکی از نویسندگان خارجی به نام اس. وی. میراحمدعلی در کتاب خود تحت عنوان حسین ناجی اسلام (۱۹۹۱) که به زبان انگلیسی نوشته شده بر این عقیده است که امروزه رهبران هر دین تنها برای پیروان خود آن دین مورد احترام هستند، اما امام حسین به عنوان يك «بزرگمرد جهانی» در قلب‌های پیروان همه ادیان جهان از جایگاهی خاص و از احترام و قداست و عظمت ویژه ای برخوردار است. مردم نقاط مختلف جهان از هر فرقه و عقیده و رنگ و ملیتی که باشند به حسین عشق می ورزند، او را محترم می شمارند و از او به عنوان «بزرگمرد حق» یاد می کنند.

مسئله عزاداری برای امام حسین (ع) به صورت دسته و هیئت که در ماه محرم و دهه عاشورا با رونق بیشتر برگزار می شود از نظر دینی، اجتماعی و سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است. در طول تاریخ تشیع همین مجالس عزاداری بهترین وسیله برای بسیج توده‌های مردم علیه حاکمیت ظلم و جور و برای مبارزه با استثمار و استکبار بوده است، و از همین روست که این مجالس همیشه باعث وحشت و مورد مخالفت حاکمان بیدادگر بوده است. هدف اصلی این مجالس و ماهیت آنها در حقیقت بلند کردن فریاد علیه ستمگران و سردادن شیون و داد بر ضد ظلم و ستم است و لذا این طبیعی است که هر ستمگری از این مجالس بترسد و از فریاد و شیون و گریه توده‌های

مردم واهمه داشته باشد. یکی از نویسندگان غربی در تحقیقی که در مورد مراسم عزاداری ماه محرم به عمل آورده است این مراسم را بهترین وسیله برای تهییج مردم و هدایت آنان در جهت يك حرکت سیاسی و يك انقلاب اجتماعی می داند.

انقلاب اسلامی ایران که همچون نوری در جهان درخشید و جهانیان را به شگفتی واداشت در همین مجالس عزاداری و وعظ و خطابه و در همین مساجد و حسینیه ها و تکایا پرورده شد و بارور گشت. البته سازمان دادن به فریادهایی که در این مجالس علیه حاکمیت ظلم و ستم سرداده می شد و نیز هدایت آنها در يك مسیر واحد و درست از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است که رهبر کبیر انقلاب اسلامی با تعالیم عاشورایی خود آن را به نحو احسن انجام داد، و بالاخره در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ پس از مبارزات طولانی، این انقلاب عظیم به ثمر نشست و ملت مسلمان ایران پس از سالها مبارزه به رهبری امام و مقتدای خویش پیروزی انقلاب عظیم خود را به جهانیان اعلام کرد. امام خمینی (س) در مورد اهمیت مجالس عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) چنین فرموده است: «و در طول تاریخ، این مجالس عزا که يك سازماندهی سرتاسری کشورهاست، کشورهای اسلامی هست و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه هست، در مقابل حکومت‌هایی که پیش می آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها، آنها را می ترساند این مجالس عزا و این دستجات بود.»

(قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)، ص ۹)

یکی از نتایج بسیار مهم مجالس عزاداری امام حسین (ع) که از نظر مذهبی، اجتماعی و سیاسی اهمیت بسزایی داشته، ایجاد وحدت در بین عامه مردم بوده است، و این وحدت در عدالتخواهی مردم و در مبارزات آنان علیه استبداد بسیار ضروری بوده که آن اگر نبود هیچ حرکت مردمی نمی توانست بر ضد حاکمان ستمگر و یا علیه غارتگران بین‌المللی به وقوع پیوندد. و لذا استثمارگران غرب بخصوص استعمار پیر انگلیس که منابع غنی ایران در طول تاریخ لقمه لذیذی برای آنان بوده است همیشه در

تلاش بودند که این وحدت را از بین ببرند تا بتوانند بدون هیچ مانعی این مملکت را غارت کنند. البته این غارتگران در اصل نه تنها مخالف مجالس عزاداری بلکه بطور کلی مخالف اسلام بودند و آن را مانع بزرگی در راه منافع نامشروع خود می دانستند. معروف است که یکی از نخست وزیران انگلیس روزی در مجلس نمایندگان آن کشور «قرآن» را به دست گرفت و خطاب به نمایندگان گفت تا این کتاب در بین مسلمانان هست ما نمی توانیم بر آنان حکومت کنیم.

اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» از روشهای معروف استعمار پیر انگلیس بوده که مدتها با اعمال این روش و روشهای مختلف دیگر ثروتهای ملی مردم ایران را به غارت برده اند. آنان با اسلام و قرآن و مراسم عزاداری مخالف بودند چون اینها امت اسلامی را از تفرقه دور و به وحدت و همدلی دعوت و هدایت می کردند. بنا به نوشته یکی از نویسندگان غربی تراژدی کربلا نه تنها در بین شیعیان بلکه در میان همه مسلمانان باعث ایجاد وحدت بوده و حتی غیر مسلمانان را نیز متأثر ساخته است. بنابراین نقش مجالس و دسته های عزاداری در مبارزات سیاسی مردم مسلمان ایران علیه استعمارگران در طول تاریخ تشیع همیشه نقش برجسته ای بوده و اهمیت و قدرت فوق العاده ای داشته است. امام خمینی (س) در یکی از بیانات خود با اشاره به اهمیت جنبه سیاسی مراسم عزاداری و مجالس دعا و قدرت فوق العاده آنها می فرماید:

«جهت سیاسی این دعاها و این توجه به خدا و توجه همه مردم را به يك نکته، این، این است که يك ملت را بسیج می کند برای يك مقصد اسلامی. مجلس عزانه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند، البته این هم هست. و دیگران را اجر اخروی نصیب کند، بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا آخر باشد و آن، این اجتماع تحت يك بیرق، اجتماع تحت يك ایده، و هیچ چیز نمی تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد، تأثیر کند. شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزانه بود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می آمد. هیچ قدرتی

نمی توانست ۱۵ خرداد را آنطور کند. مگر قدرت خون سیدالشهدا، و هیچ قدرتی نمی تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرتهای بزرگ برای او توطئه چیده اند، این توطئه ها را خنثی کند، الا همین مجالس عزاء.

(همان مأخذ، ص ۱۱)

تأثیر مجالس عزاداری و دعا در بسیج کردن مردم بر حضور در جبهه های جنگ تحمیلی و دفاع مقدس از اسلام و انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست. تشجیع رزمندگان و تقویت روحیه آنان در جبهه ها از طریق مراسم عزاداری و دعاخوانی و سوگواری برای شهدای کربلا حقیقتی است انکارناپذیر که پیروزی خون بر شمشیر و حق بر باطل را به دنبال داشته است. در يك دید کلی میدان این جنگ را آئینه ای تمام نما از میدان جنگ کربلا می توان دانست که در يك طرف میدان یزیدیان زمان و لشکر ابن زیاد با تمام ساز و برگ نظامی اهدایی قدرتهای شیطانی صف کشیده اند و حتی برخی از آنها از نسل همان کوفیان سست ایمان هستند، و در طرف دیگر حسینیان زمان هستند که از كوچك و بزرگ و پیر و جوان آماده شهادت اند. اما میدان این جنگ تحمیلی با میدان کربلا يك فرق عمده هم دارد و آن اینکه در این میدان درصف حسینیان تنها تعداد کمی نیست که در برابر یزیدیان ایستاده است بلکه يك ملت، آن هم ملتی بزرگ است که با تمام توان و با نیروی ایمان برای دفاع از حق و اسلام عزیز به میدان آماده و به مقابله با تهاجم ناجوانمردانه صدامیان سست ایمان پرداخته است. و این در واقع اقتدا به سرور آزادگان حضرت سیدالشهدا (ع) است. امام راحل (ره) این حقیقت را چنین بیان فرموده است:

«ملت ما از طفل ششماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را در راه خدا فدا کرد و این اقتدا به بزرگمرد تاریخ، حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) است.

حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از اول می دانست که در این راه که می رود راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده اش را فدا کند و این

عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، عاقبتش را ہم می دانست. اگر نبود این نهضت، نهضت حسین (علیه السلام) یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می دادند و از اول، اینها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیا اسلام حقد و حسد داشتند.»

(همان مأخذ، ص ۱۴)

همانطور که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران واقعه ای بسیار بزرگ در تاریخ معاصر جهان است به همان اندازه مصایب و مشکلاتی که ملت نجیب ایران در راه این پیروزی و برای حفظ آن متحمل شده بزرگ است. البته این حقیقت را ہم نباید از یاد برد که پیروزی بزرگ همیشه نتیجه مجاهدتهای بزرگ و در سایه تحمل رنجها، مصیبتها و مشکلات بزرگ است. هرگز نباید تصور کرد که انقلاب اسلامی ایران تنها در يك روند تاریخی و به همین سادگی پیروز شد. در راه پیروزی این انقلاب انسانهای شریف زیادی به شهادت رسیدند، عده زیادی مجروح و معلول شدند، برخی دیگر شکنجه ها دیدند و زجرها کشیدند، و بالاخره مصیبتها و مشکلات زیادی تحمل شد تا اینکه این انقلاب به پیروزی رسید و به دنبال پیروزی نیز از گزند دشمنان حفظ شد. لذا یکی از راههای درك عظمت این انقلاب درك همین مسائل یعنی درك عظمت مشکلات و مصائبی است که ملت ایران در راه پیروزی و حفظ آن متحمل شده است. با وجود این هرگز نباید توقع داشت که دشمنان انقلاب، به خصوص آنها که منافع شان بطور جدی به خطر افتاده است، دست از شیطنتها و خباثتھای خود بکشند و انقلاب را به حال خود واگذارند. چنین توقعی مسلماً عاری از حقیقت است. بیان امام خمینی در این باره چنین است:

«هر مقدار که عظمت داشته باشد مقصود و ایده انسان، به همان مقدار باید تحمل زحمت بکند، ما باز درست نمی توانیم ادراك کنیم که حجم این پیروزی چقدر است. دنیا بعد خواهد ادراك کرد که این پیروزی ملت ایران چه حجمی دارد. به همان حجمی که این پیروزی دارد و این مجاهدت همان حجمی را که دارد در ازایش مصیبتها هم باید

حجمشان زیاد باشد. ما نباید متوقع باشیم که همه قدرتها را دستشان را از منافعشان در اینجا و آن شاءالله در منطقه کوتاه کردیم، و متوقع این باشیم که با اینهمه پیروزی، ما همین طور سالم خواهیم ماند.»

(همان مأخذ، ص ۱۶)

یکی دیگر از راههای درك عظمت انقلاب اسلامی ایران درك عظمت جنگ تحمیلی است که در آن در واقع بسیاری از قدرتهای کفر جهانی با سلاحهای پیشرفته خود در پشت صحنه به جنگ با این انقلاب برخاستند و هرچه توانستند با مدافعان آن جنگیدند. اما تعالیم عاشورایی امام خمینی (س) چنان شوری در جوانان این مملکت به وجود آورد که دشمن با همه سلاحهای مدرنش بالاخره در برابر ایمان قدرتمند آنان سر تسلیم فرود آورد و شکست ذلت بار و خفت آوری را پذیرفت. البته این ذلت و خفت نتیجه ای از عمل تجاوزکارانه ظالمان و بیدادگران در این جهان است، یقیناً در جهان دیگر نیز عذاب عظیمی در انتظارشان خواهد بود. وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.

(سوره ۲۶، آیه ۲۲۷)